

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۹ جون ۲۰۲۲

سالروز بمباران کیمیائی سردشت!

سردشت نخستین شهر دنیا بود که بعد از جنگ جهانی اول و تصویب کنوانسیون منع سلاح‌های کیمیائی مورد حمله کیمیائی قرار گرفت و مردم این منطقه دهه‌هاست که با تاول و خردل زندگی سختی را می‌گذرانند. در همان روزهای اولیه وقوع این حادثه تلخ و پس از بررسی‌های صورت گرفته، مشخص شد که نزدیک به ۸ هزار نفر از جمعیت ۱۲ هزاری شهرستان سردشت در معرض گازهای سمی قرار گرفتند و به شدت مصدوم شدند. هشتم تیر ۱۳۶۶ به عنوان یک روز دردناک در تاریخ ایران و حتی جهان ثبت شده است. این روز یادآور یکی از تلخ‌ترین روزهای تاریخ برای مردم ایران و بشریت و همچنین رفتار وحشیانه و غیرانسانی دنیای مدعی دفاع از حقوق بشر است.



هشتم تیرماه ۱۳۶۶ چند فروند هواپیمای عراقی سکوت شهر کوچک سردشت در غرب کشور را شکستند و ۷ بمب خردل در نقاط مختلف شهر انداختند که ۲ بمب در بازار شهر و ۲ بمب دیگر در منطقه مسکونی افتاد؛ ۳ بمب دیگر نیز در باغ‌های مجاور شهر فرود آمد. از شهر ۱۲۰۰۰ نفری سردشت تعداد زیادی از مردم مصدوم شدند. ۱۳۰ نفر جان باختند.

حکومت بعث عراق در این حملات از «گاز خردل و اعصاب» استفاده کرده بود. گاز خردل از نوع گازهایی است که همیشه در محیط و بدن مصدوم باقی می‌ماند و تاکنون راه درمانی برای مصدومان آن کشف نشده است. از جمله عوارض این گاز عفونت ریوی، خارش پوست، التهاب چشم و تنگی نفس را می‌توان نام برد.

سردشت اولین شهر قربانی جنگ افزارهای کیمیائی در جهان پس از بمباران اتمی شهر هیروشیما شناخته می‌شود، که نه تنها نماد بربریت دولت‌ها است؛ نماد برخورد دوگانه مجامع بین‌المللی و حاکمیت‌ها در جهت تامین منافع دولت‌های جهان سرمایه‌داری است.

از همه دردناک‌تر آن است که این حادثه از سوی حکومت اسلامی و همچنین رسانه‌های غربی و آنانی که مدعی صلح و اعاده حقوق بشر و دموکراسی هستند دچار مرگ خبری شد و مسکوت ماند.

برابر گزارش‌ها، بیش از ۴۰۰ شرکت تولیدکننده مواد کیمیائی از عراق برای تجهیز کیمیائی حمایت کردند که بیش‌ترین آن‌ها از آلمان و انگلیس بودند. این در شرایطی است که آلمان به عنوان تنها کشوری شناخته می‌شود که هم کنوانسیون ژنو را امضا کرده و هم اتحادیه اروپا اجازه دارد با بازرسی از صنایع کیمیائی آن کشور مانع از تولید سلاح‌های کیمیائی به وسیله آلمان شود.

سرانجام پس از مشاهده آثار و علائم شدت جراحات وارده بر مجروحان جنگی، نشست‌های متعددی در مجامع بین‌المللی برگزار شد و کنفرانس خلع سلاح مستقر در ژنو پیش‌نویس و طرح کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های کیمیائی را تهیه و به سازمان ملل تقدیم کرد تا این که در سال ۱۹۹۳ پس از دو دهه مذاکره پیرامون این موضوع، سرانجام این معاهده در پاریس به امضاء رسید و از سال ۱۹۹۷ به اجرا درآمد.

این کنوانسیون دارای یک مقدمه، ۲۴ ماده و سه متن پیوست است و بر همین اساس سازمان منع سلاح‌های کیمیائی (pocw) وظیفه اجرای کنوانسیون را که مقر آن در لاهه هلند است، بر عهده گرفت. همچنین در دهمین اجلاس کشورهای عضو کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های کیمیائی در لاهه هلند، روز ۲۹ آوریل (نهم اردیبهشت) روز جهانی بزرگداشت قربانیان سلاح‌های کیمیائی نام‌گذاری شد. این روز مصادف با روزی است که مصوبات معاهده برای کشورهای عضو لازم‌الاجرا شد و در همان سال دبیرکل سازمان ملل متحد از تمام کشورهایی که به عضویت این کنوانسیون درنیامده بودند، خواست تا به آنان ملحق شوند.

سالانه آذرماه اجلاسی در مقر سازمان منع سلاح کیمیائی (opcw) در لاهه هلند با حضور کشورهای عضو این سازمان و تعدادی از قربانیان سلاح کیمیائی جهت گرامی‌داشت آنان برگزار می‌گردد.

سالروز حمله کیمیائی به سردشت به‌عنوان روز مبارزه با سلاح‌های کیمیائی و میکروبی برگ دیگری از جنایات حکومت‌های ایران و عراق و همچنین غرب با عنوان حقوق بشر است، یادآوری این واقعیات مهم نمایانگر نقض دهشناک و مرگ‌آور حقوق بشر از سوی سیستم سرمایه‌داری جهانی و حکومت‌های حامی این سیستم و تبئین تلاش‌هایی برای مقابله موثر با سلاح‌های کشتار جمعی است.

شمار زیادی از شهروندان غیرنظامی در بمباران کیمیائی شهرهای «سردشت» و «اشنویه» در آذربایجان غربی، «حلبچه» در اقلیم کردستان عراق و روستاهای مریوان در استان کردستان بر اثر استنشاق گازهای کیمیائی جان خود را از دست دادند.

پس از این بمباران کیمیائی بسیاری از مردم این شهر که هیچ اطلاعی از این نوع بمب‌های نامتعارف نداشتند، برای یاری رساندن به مصدومان و نجات کسانی که در زیر آوارها مانده بودند به محل اصابت بمب‌ها رفتند و همین امر باعث شده شمار آسیب‌دیدگان بیش‌تر و بیش‌تر شود و بسیاری از مصدومان با تاخیر به مراکز درمانی در شهرهای تبریز، ارومیه و تهران منتقل شدند.

شهر حلبچه ساعت ۱۴ روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ توسط جنگنده بمب‌افکن‌های «میراژ» و «سوپر اتاندارد» فرانسوی ارتش عراق بمباران کیمیائی شد.

طبق اسناد موجود در این حمله‌های هوایی که به دستور مستقیم صدام و «علی‌حسن‌المجید» معروف به علی کیمیائی صورت گرفت، پنج هزار نفر کشته و بیش از ۱۵ هزار نفر از اهالی این شهر ۳۰ هزار نفری مجروح شدند. نیروی هوایی عراق پنج نقطه شهر را با استفاده از انواع بمب‌های کیمیائی از جمله گازهای اعصاب «وی ایکس»، «سارین» و تابون و گاز خردل بمباران کرد.

این شهر چند روز قبل از فاجعه یاد شده با بمب‌های متعارف هدف قرار گرفته بود و ساکنان آن اطلاع چندانی از بمباران کیمیائی و راه‌های مقابله با آن نداشتند که همین امر باعث افزایش تلفات و شدت این فاجعه شد.

از منظر حقوق بین‌الملل، بمباران کیمیائی حلبچه نقض آشکار پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در محکومیت کاربرد سلاح های کیمیائی، اسناد کنفرانس صلح لایحه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ ۱۹۴۴، ماده پنج عهدنامه واشنگتن ۱۹۲۲، ماده سه اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و کنفرانس منع کاربرد از سلاح‌های کیمیائی (پروتکل منع استفاده از سلاح کیمیائی ۱۹۲۹ و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹) بود.

پروفسور «اوین هندریکس» رئیس آزمایشگاه سم‌شناسی بیمارستان دانشگاه گان (فلاندر، در شمال غرب بلژیک)، اظهار می‌دارد: عراق از سه نوع گاز مختلف علیه حلبچه استفاده کرده است. وی تاکید دارد که نیروهای عراقی شهر حلبچه را در روزهای ۱۷ و ۱۸ مارس (۲۷ و ۲۸ اسفند ۱۳۶۶) با گاز خردل (ایپریت)، گازهای اعصاب (تابون، سارین یا سومان) و بالاخره با سیانوژن بمباران کرده‌اند.

به گفته وی، این سه نوع سلاح به‌صورت مجزا ولی با فاصله‌ای کوتاه و به‌طوری که به‌صورت یک «کوکتل بسیار سمی» درآیند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

متأسفانه هنوز هم شهرستان سردشت با کمبودهای جدی بهداشتی و پزشکی مواجه است. کمبود امکانات درمانی مناسب همانند بیمارستان‌های مجهز و دارای امکانات پزشکی کافی، محرومیت شهرستان سردشت، فراهم نبودن زیرساخت‌ها به‌خصوص در زمینه عمران شهری و جاده‌های مواصلاتی و از سوئی نیز رسیدگی‌های جسته و گریخته بنیادهای مسئول همچنان مشکلات و مسائل مردم این منطقه از کشور را به شکل ثابت نگاه داشته است. هنوز مردم شهرستان سردشت درگیر رنج و درد مضاعفی هستند.

هنوز با سه دهه و نیم و با وجود وعده‌های مکرر که مسئولان سیاسی استان و کشور برای انجام اقدامات زیرساختی و بنیادی در مسیر حل مشکلات مردم شهر سردشت و به‌ویژه مردم آسیب‌دیده بر زبان آورده‌اند، احداث بیمارستان‌های فوق تخصصی ایجاد امکانات رفاهی ورزشی و درمانی، راه‌های مواصلاتی، فضای سبز و... عملی نشده و همچنان یکی از مطالبات بر زمین مانده مردم به شمار می‌روند.

عضو هیات رئیسه انجمن دفاع از مصدومان کیمیائی سردشت در خصوص آخرین وضعیت مردم این شهرستان مرزی به خبرنگار مهر گفت: شهرستان مرزی سردشت به دلیل تحمل رنج و درد ناشی از حملات کیمیائی رژیم بعث در جنگ نابرابر تحمیلی علیه کشورمان نیازها و شرایط ویژه ای نسبت به سایر شهرهای استان حتی کشور دارد.

صالح عزیزپور با بیان این‌که امروز ۳۴ سال از حادثه و فاجعه انسانی بمباران کیمیائی سردشت نخستین شهر کیمیائی شده جهان می‌گذرد، گفت: کلینیک بدون پزشک، بیکاری، آسیب‌های اجتماعی، کم‌توجهی مسئولان مربوطه به افرادی که مدرکی برای اثبات مصدومیت خود ندارند، مشکلات خدمات شهری و حمل و نقل، نداشتن گمرک، بازارچه‌های مرزی پویا، راه نامناسب و همه و همه موجب شده تا آلام و دردهای مردم این منطقه هر روز بیشتر و بیشتر شود.

عزیزپور با انتقاد جدی از وعده‌های مکرر مسئولان برای حل مشکلات مردم سردشت افزود: کارهای زیادی در طول ۳۴ سال در سردشت انجام شده اما این اقدامات مختص مردم سردشت نبوده در همه شهرهای استان و کشور شاهد خدمات‌رسانی از جمله گاز رسانی و آبرسانی و... هستیم اما نیازهای مردم این منطقه با سایر شهرها متفاوت است. عضو هیات مدیره انجمن دفاع از مصدومان کیمیائی سردشت خاطرنشان کرد: سردشت نیازمند انجام کارهای زیربنائی است قاجاق کالا از یکسو و تولیدات مواد مخدر صنعتی از سوئی دیگر، بیکاری، نبود فضای سبز، نبود امکانات بهداشتی و پزشکی مورد نیاز همه و همه این شهر را تهدید می‌کند، وقتی در شهر سردشت قدم می‌زنیم، آثار چندان از توسعه نیست.

عزیزپور با بیان این‌که این شهر یک متر فضای سبز ندارد گفت: آیا سزاوار است بعد از ۳۴ سال حملات کیمیائی امروز مردم این شهر در حسرت یک متر فضای سبز باشند، متأسفانه هر سال همزمان با سالروز بمباران کیمیائی سردشت به سر تیتیر رسانه‌ها تبدیل می‌شود و بعد از آن مطالبات چندین ساله مردم به فراموشی سپرده می‌شود. وی با بیان این‌که راه‌های مواصلاتی سردشت مربوط به دهه ۴۰ هست عنوان کرد: متأسفانه یک کیلومتر از این راه‌های مواصلاتی تاکنون بازسازی نشده است، راه‌های مواصلاتی این شهرستان با مشکلات اساسی مواجه است، خدمات‌رسانی به سردشت تنها گازرسانی و برق‌رسانی نیست که برای این خدمات مردم هزینه پرداخت می‌کنند این شهر نیازمند توجه جدی برای زیرساخت هاست.

عزیزپور با بیان این‌که در طول هفته اخیر ۵ نفر در راه‌های مواصلاتی سردشت تصادف کرده و جان باخته‌اند، افزود: تصور کنید هشت هزار مصدوم و جانباز کیمیائی هر روز برای تامین نیازهای دارویی و پزشکی و نیز کارهای اداری از این جاده‌های نامناسب تردد می‌کنند چقدر رنج و درد مضاعف را متحمل می‌شوند.

عضو هیات رئیسه انجمن دفاع از مصدومان کیمیائی سردشت خاطرنشان کرد: آن‌قدر در خصوص مطالبات و مشکلات مردم سردشت در این سال‌ها حرف زده‌ایم خودمان خسته شده‌ایم مردم این شهرستان بیش‌تر از حرف و وعده به اقدامات عملی نیاز دارد.

عزیزپور در خصوص خدمات درمانی و مشکلات تنها کلینیک مصدومان کیمیائی سردشت تنها یک ساختمان با چهارچوب کلیشه‌ای کارائی دیگری برای مردم سردشت ندارد... عزیزپور اظهار کرد: حالا پس از گذشت ۳۴ سال از حمله کیمیائی به این شهر مرزی جانباز کیمیائی ۲۴۰ کیلومتر را باید طی کند تا خودش را از جاده‌های پرپیچ و خم و صعب‌العبور به ارومیه برساند، در کنار مشکلات درمانی کمبود دارو نیز از دیگر مشکلات مردم این شهرستان است.

وی با بیان این‌که داروهائی که جانبازان کیمیائی تهیه می‌کنند داروی خارجی را نمی‌توانند پیدا کنند اگر هم پیدا شده باید هزینه گزافی پرداخت کنند و متأسفانه پول داروها به جانبازان خیلی دیر یا اصلاً پرداخت نمی‌شود گفت: بیمه‌ای که مصدومان کیمیائی سردشت را بیمه کرده نیز برخی داروها نسخه بیماران را تقبل نمی‌کند.

عضو هیات رئیسه انجمن دفاع از مصدومان کیمیائی سردشت در خصوص پزشکان متخصص نیز گفت: پزشکان به‌صورت دوره‌ای به شهر می‌آیند که به دلیل دور بودن و کمبود امکانات چندان تمایلی به‌حضور در سردشت ندارند و هم اکنون کمبود پزشک متخصص از نیازهای ضروری مردم منطقه است.

صحبت‌های عضو هیات رئیسه انجمن دفاع از مصدومان کیمیائی سردشت در حالی مطرح می‌شود که فرماندار سردشت مدعی است اقدامات زیادی برای حل مشکلات مردم این منطقه انجام شده است.

حکومت اسلامی ایران و در راس همه خمینی عامل اصلی ادامه‌دهنده جنگ به مدت شش سال بوده است. در پاسخ به درخواست کمیته صلح سازمان کنفرانس اسلامی برای متوقف کردن جنگ و با توجه به تجاوز اسرائیل به لبنان، در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۶۱، جلسه شورای فرماندهی انقلاب عراق به ریاست صدام حسین تشکیل شد. در این جلسه به عقب‌نشینی از خاک ایران تصمیم گرفته شد و آن را با صدور اعلامیه‌ای در تاریخ ۲۰ خرداد اعلام کردند. اما حکومت اسلامی ایران به رهبری خمینی این پیشنهاد را نپذیرفت و بر ادامه جنگ با شعارهایی چون «جنگ جنگ تا پیروزی»، «راه قدس از کربلا می‌گذرد» و ... افشاری کرد.

کسانی چون حافظ اسد رئیس جمهور وقت سوریه و روسیه و عربستان به حکومت اسلامی پیشنهاد صلح با عراق را دادند. اما حکومت اسلامی همه این پیشنهادات را رد کرد و به جنگ ادامه داد.

قطع‌نامه ۵۹۸، هشتمین قطع‌نامه‌ای است که برای جنگ عراق علیه ما در سازمان ملل به تصویب رسید. پیش از قطع‌نامه ۵۹۸، شورای امنیت سازمان ملل قطع‌نامه ۵۸۸ را در تاریخ ۱۶/۰۷/۱۳۶۵ تصویب کرده بود که ایران آن را نپذیرفت. دبیر کل در گزارش خود به شورای امنیت؛ خلاصه‌ای از مواضع ایران و عراق را در قبال قطع‌نامه عنوان نمود و اعلام کرد که در حالی که عراق تمایل خود را برای پذیرش قطع‌نامه شورای امنیت اعلام داشته، ایران به دلایلی که ذکر کرده، این قطع‌نامه را نپذیرفته است.

اما پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل، یکی از این کلید واژه‌ها جام زهر و دیگری «تشخیص مصلحت» است که نوشیدن جام زهر را به تشخیص مصلحت یک امت تعبیر می‌کنند.

رفسنجانی در مصاحبه‌ای با سایت خود، گفته است: در جلسه‌ای ما ۵ نفر خدمت امام رفته بودیم برای این‌که بگوئیم وضع جنگ این‌گونه است. آیا می‌خواهیم ادامه بدهیم و یا نمی‌خواهیم ادامه بدهیم؟ نظر قاطع خود را گفتیم که مصلحت نمی‌بینیم. برای امام سخت بود که در آن شرایط بپذیرند ما قطع‌نامه را امضاء و قبول کنیم. لااقل تا آن مقداری که ما صحبت می‌کردیم. جلسه ما در آن شب طول کشید. راهکارهایی هم پیشنهاد شد. ایشان (خمینی) گفتند که ما به مردم گفتیم اگر جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد، ما ایستاده‌ایم و در و دیوار پر از جنگ جنگ تا پیروزی و تا رفع فتنه است. اگر الان یک‌دفعه بیائیم و این‌گونه عمل کنیم، جواب مردم و رزمندگان را چه باید بدهیم؟ دل آن‌ها می‌شکند.

در آن جلسه از این‌گونه بحث‌ها بود... امام قانع شدند که الان باید این کار را بکنیم و به این مسئله رسیدند که مصلحت است که بپذیریم...

در یک نمونه دیگر، در اسفند سال ۶۰، اولاف پالمر نخست‌وزیر سابق سوئد و معاون وقت دبیرکل سازمان ملل متحد، به‌عنوان میانجی وارد تهران شد. وی حتی پیشنهاد پرداخت ۶۰ میلیارد دلار خسارت جنگی به ایران را با خود آورده بود و آن را مطرح کرد. خمینی این‌بار هم آتش‌بس را نپذیرفت.

به این ترتیب با پافشاری آیت‌الله خمینی بر ادامه جنگ تا تسلیم صدام، این جنگ خانمان‌سوز و ویران‌گر شش سال دیگر هم ادامه یافت و علاوه بر ویرانی‌های بسیار، سبب کشته شدن ده‌ها هزار نفر از هر دو سو شد.

هشت سال جنگ ایران و عراق با تحمل هزینه‌های فراوانی همراه بود، جنگی که علاوه بر هزینه‌های انسانی خسارت‌های فراوانی را به‌دنبال داشت. در آمار دیگری آمار جان‌باختگان ۲۱۳ هزار و ۲۵۵ نفر است که از این تعداد ۱۵۵ هزار و ۸۱ نفر در جبهه‌های جنگ و ۱۶ هزار و ۱۵۴ نفر بر اثر حمله‌های هوایی و توپخانه‌ای دشمن به شهرها و مناطق مسکونی، ۱۱ هزار و ۸۱۴ نفر در حوادث متفرقه و ۹ هزار و ۸۸۹ نفر در سایر موارد جان خود را از دست دادند. اما استفاده عراق از سلاح کیمیایی در جبهه‌ها و حتی مناطق مسکونی صفحه دردناک‌تر هشت سال جنگ ایران و عراق است.

بر اساس منابع جمع‌آوری شده در کتاب اقتصاد ایران در دوران جنگ به قلم فرهاد دژپسند، «میزان خسارت‌های مستقیم وارد شده به ایران از محل تخریب ساختمان‌ها و تاسیسات، ماشین‌آلات و تجهیزات و مواد کالاهای سرجمع رقمی بالغ بر ۳۰۸۱ میلیارد تومان به نرخ جاری سال ۵۹ تا ۶۷ خواهد بود این رقم در صورتی که بر مبنای دلار رسمی و تغییر آن به ریال و دلار تبدیل شود می‌توان گفت سرجمع خسارات جنگ برای ایران رقمی معادل ۴۴۰ میلیارد دلار بوده است، این رقم در صورتی که بر مبنای تغییر نرخ ارز رسمی از ۷ تومان به ۲۴۸۰ تومان مورد محاسبه قرار گیرد به نرخ روز رقمی معادل ۱/۱ تریلیون تومان را شامل می‌شود».

حالا توجه کنید که امروز با دلار ۳۰ هزار تومان چه رقم نجومی پیدا می‌کند!

این ارقام نشان‌دهنده عمق بالای خسارات جنگ به ایران است.

اگر حکومت عراق با بمباران شیمائی مرتکب جنایت بزرگی علیه بشریت شد حکومت اسلامی هم دست به عملی زد که بسیار غیرانسانی بود. یعنی اجازه دادن به رفتن افراد زیر ۱۸ سال به جبهه‌های جنگ. مطابق آمارهای آجا(پایگاه اطلاع‌رسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران)، «میانگین سن شهدای ایران ۲۳ سال بود.» مطابق آمارهای ساجد(سایت جامع دفاع مقدس)، «سن ۷۰۵۴ نفر از شهداء ۱۴ ساله و کمتر از آن بوده و سن ۶۵۵۷۵ نفر از شهدا ۱۵ تا ۱۹ ساله بوده است. اجازه دادن به رفتن این‌گونه کودکان به جبهه‌های جنگ، نقض قوانین جنگی محسوب می‌شود.

محسن رضائی در همان سال‌ها صراحتاً گفت که به سرباز یکبار مصرف نیاز دارد.

سال‌ها بعد رفسنجانی گفت که ۳۶۰۰۰ تن از کودکان دانش‌آموز، در جبهه‌ها جان خود را از دست دادند.

محسن رضائی فرمانده وقت سپاه پاسداران در خصوص به تحلیل رفتن توان دولت ایران می‌گوید:

«آقای هاشمی خدمت امام می‌رود و می‌گوید من مسئولیت را قبول کردم. حالا ما دو راه داریم، یا باید برویم صلح کنیم و یا این‌که بجنگیم.

امام می‌گوید بجنگید!

هاشمی می‌گوید اگر بخواهیم بجنگیم باید خواسته‌های فرماندهان را عمل کنیم.

امام می‌گوید عمل کنید! آنچه فرماندهان می‌خواهند را بروید تامین کنید.

هاشمی می‌گوید پول نداریم.

امام می‌گوید بروید از مردم مالیات بگیرید.

هاشمی می‌گوید که نیروهای مردمی دیگر مثل قدیم به جبهه نمی‌آیند.

امام می‌گوید من دستور جهاد خواهم داد و به مردم می‌گویم که همه به جبهه بروند.

هاشمی می‌گوید ما ارز و دلار نداریم.

امام می‌گوید بروید فکری بکنید! شما نفت دارید؛ چیزهای دیگر دارید؛ بروید برای این(مسئله)، فکری بکنید. ...

آیت‌الله منتظری، جانشین وقت خمینی، در خاطرات و نوشته‌هایش، تصویر جالبی از خمینی پس از نشستن به کرسی قدرت به دست می‌دهد و می‌گوید:

«غرور آن‌چنان خمینی را فراگرفته بود که اصلاً نمی‌شد با او حرفی خلاف نظرش زد!»

«وقتی که انقلاب پیروز شد یک غرور مخصوصی امام را فراگرفت. اصلاً در ذهن همه ما این بود که گویا عالم را مسخر کرده‌ایم، می‌گفتیم... امام... رهبر جهان اسلام است،... و لذا در بعد سیاست خارجی، شعارها همه بر اساس صدور انقلاب و این‌که انقلاب مرز نمی‌شناسد (بود)... این شعارها، کشورهای همجوار را به وحشت انداخت...»

«واقعیت مسئله جنگ این است که آن اول که انقلاب شد، ما شعارهای تند هم دادیم... من گفتم ما که نمی‌توانیم دور کشور مان دیوار بکشیم؛ بالاخره می‌خواهیم با کشورهای همسایه روابط داشته باشیم. ایشان (خمینی) فرمودند نخیر، ما می‌خواهیم دور کشور مان دیوار بکشیم.»

یکی دیگر از موضوع‌هایی که پس از گذشت این همه سال از پایان جنگ، هر روزه از مردم ایران، تلفات انسانی می‌گیرد، ۱۱ میلیون مین خنثی نشده‌ای است که از آن جنگ ویران‌گر بر جای مانده است. هر هفته به‌طور متوسط ۱۵ نفر در اراضی آلوده به مین، جان خود را از دست می‌دهند.

یکبار سفیر حکومت اسلامی در مقر اروپائی ملل متحد گفت: «خنثی کردن مین‌های باقی‌مانده، به ۱۰۰ سال وقت نیاز دارد.»

هنوز هم حکومت اسلامی ایران تلاش می‌کند این جنگ را یک «جنگ مقدس» جلوه نماید!

خمینی جنگ را نعمت آسمانی می‌دانست!

در پایان می‌توان تاکید کرد که جنگ ایران و عراق یکی از طولانی‌ترین و خونین‌ترین و خائنانه‌ترین جنگ‌های جهان بود. زخم‌هایی که این جنگ ارتجاعی بر جامعه و طبیعت و شهرها و روستاهای هر دو کشور ایران و عراق زد هنوز هم بهبود نیافته‌اند.

ایران با عراق همسایه غربی خود یک‌هزار و ۴۵۸ کیلومتر مرز مشترک دارد و حکومت عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به مرزهای ایران حمله کرد که این تهاجم پس از هشت سال سرانجام با پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد پایان یافت.

پس از پذیرش رسمی قطع‌نامه از طرف ایران و انجام مذاکره با دبیرکل سازمان ملل متحد، آتش‌بس میان طرفین از تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ - ۲۰ اوت ۱۹۸۸، برقرار شد؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۶۷ قطع‌نامه ۶۱۹ را تصویب کرد که به موجب آن، گروه ناظران نظامی ایران و عراق و سازمان ملل متحد (یونیمک) تشکیل و عازم مرزهای ایران و عراق شد.

متأسفانه سه نسل و شاید بیش‌تر مردم این منطقه به‌دلیل ماندگاری ۱۵۰ ساله گاز خردل با درد و رنج حاصل از آثار سلاح‌های کیمیائی، دست و پنجه نرم کنند و سال‌های سال با زخم‌هایی که جهان مدرن بی‌رحم بر پیکر آن‌ها زده است ناچاراً باید بسوزند و بسازند.

سه‌شنبه هفتم تیر - سرطان - ۱۴۰۱ - بیست و هشتم جون ۲۰۲۲